



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خیلی لذت بردیم از بیانات برادران عزیز. ای کاش وقت بیشتر میبود و میتوانستیم از بیانات دیگر برادران هم استفاده کنیم. وقتی این حرفها را از شما میشنویم، بار دیگر عظمت اسلام، فراگیری اسلام و پیروزی اسلام برایمان مجسم میشود.

این دیدار امروز و جلسات شما به عنوان وحدت تشکیل شده؛ اتحاد دنیای اسلام و وحدت بین مسلمین. البته وحدت، مسئله‌ی اصلی است. اگر اتحاد بین مسلمین به صورت واقعی و به معنای حقیقی تحقق پیدا کند، اکثر مشکلات مسلمین برطرف خواهد شد. و باید همه تلاش کنیم، ما هم باید تلاش کنیم که ان شاء الله دلها به هم نزدیک شود؛ نه فقط زبانها. وقتی دلها به یکدیگر نزدیک شد، دستها و عملها هم به یکدیگر نزدیک خواهد شد. امروز دنیای اسلام در یک مقطع تاریخی قرار دارد؛ ما این مقطع را باید بشناسیم، ما از این مقطع نباید غفلت کنیم. در این سی سال گذشته - بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران - هرگز چنین وضعی در دنیای اسلام پیش نیامده است. اینکه میگوئیم یک مقطع است، معنایش این نیست که در طول این سی سال دنیای اسلام آرام بوده، ساکت بوده، بی تفاوت بوده؛ نه. من اعتقاد این است و واقعیت قطعاً همین است؛ در طول سالهای متمادی، حرکت بزرگان، حرکت مصلحان، خون فداکاران، تعلیمات اصحاب فکر، و در نهایت انقلاب اسلامی ایران، در دنیای اسلام تأثیر گذاشته است؛ دلها را منقلب کرده، جهتها را نشان داده و بتدریج انگیزه‌ها متراکم شده و در یک فرصتی حالا این انگیزه‌ها دارد بروز میکند. این مقطع، مقطع مهمی است؛ هم میتواند به حل مشکلات دنیای اسلام منتهی شود، و هم اگر این مقطع را درست شناسیم و از آن بهره‌ی صحیح را نبریم، ممکن است مشکلات دیگری را برای ما خلق کند.

آنچه اتفاق افتاده، حرکت میلیونی مردم در صحنه است؛ این بی نظیر است. در جمهوری اسلامی این حرکت بود که توانست ایران را نجات دهد. اگر به جای میلیونها مردم، احزاب و گروه‌ها و شخصیتها و اینها وارد میدان میشدند، این تأثیر اتفاق نمی افتاد. اثری در حضور میلیونی مردم هست که در هیچ چیز دیگر آن اثر نیست. البته حضور میلیونی مردم جز با ایمان قلبی امکان پذیر نیست. اولاً بیابند، ثانیاً تا حصول نتیجه در صحنه بمانند، ثالثاً آن نتیجه را حفظ کنند؛ اینها ایمان اسلامی، ایمان مذهبی لازم دارد.

اینجا از انقلاب کبیر فرانسه اسم آورده شد. انقلاب کبیر فرانسه یک حرکت مردمی بود و به پیروزی رسید؛ اما آن پیروزی محفوظ نماند. در سال 1789 انقلاب کبیر فرانسه اتفاق افتاده؛ در سال 1800 - یعنی یازده سال بعد - حکومت سلطنت بار دیگر در فرانسه به وجود آمده؛ یعنی ناپلئون سر کار آمد؛ کأن لم یکن شیئاً مذکوراً! بعد هم ناپلئون مُرد و همان خاندانی که با انقلاب کبیر فرانسه رفته بودند، دوباره سر کار آمدند؛ یعنی بوربن‌ها. و سالها طول کشید، تا سال 1860، و سلسله‌ی سلاطین در فرانسه همین طور دست به دست شدند. پس انقلاب به وسیله‌ی مردم پیروز شد، اما مردم نتوانستند انقلاب را نگه دارند؛ این خیلی مطلب مهمی است. ما توانستیم انقلابمان را نگه داریم، به برکت ایمان، به برکت اسلام، به برکت دمیدن پی‌درپی روح قرآن در کالبد این مردم و در دل‌های این مردم. این است که میتواند بقاء حرکتها را و تداوم آنها را و پیروزی آنها را تضمین کند؛ این باید اتفاق بیفتد.

امروز مردم توی صحنه‌اند؛ در مصر، در تونس و در بعضی از نقاط دیگر؛ این باید هدایت شود. دشمنان سعی میکنند این حرکت را غیر اسلامی نشان دهند؛ این خطاست؛ قطعاً اسلامی است؛ گذشته‌ی مصر این را نشان میدهد؛ حرکت امروز مصر هم این را نشان میدهد؛ شعارهای مردم، حضورشان در نماز جمعه، اینها را نشان میدهد. بنابراین قطعاً اسلامی است؛ اگرچه دشمنان سعی میکنند نگذارند که این اسلامی بودن در مصر یا در جاهای دیگر تثبیت شود. این حرکت را باید تقویت کرد.

اساس مشکل در دنیای اسلام، آمریکاست. حضور مستکبرین و مستعمرین در دنیای اسلام، همیشه بیشترین و



بزرگترین ضربه را به هویت اسلامی و مردمی ملتها زده. از شرق دنیای اسلام بگیرید، از اندونزی و مالزی و هند، تا برسید به آفریقا؛ همه جا حضور مستعمران بوده است که ملتها را ضعیف کرده، خون آنها را گرفته، اراده‌هایشان را تضعیف کرده. امروز آن مستکبر و مستعمر، آمریکا است؛ بقیه در حاشیه‌اند. حضور آمریکا بزرگترین مشکل است. گفت: «وجودك ذنب لایقاس بها ذنب». از همه‌ی بدبختی‌های دنیای اسلام بزرگتر، امروز حضور آمریکا است؛ این را باید علاج کرد. باید آمریکا را از عرصه دور کرد، او را تضعیف کرد. خوشبختانه ضعیف هم شده‌اند. آمریکای امروز، آمریکای بیست سال قبل و سی سال قبل نیست. آمریکا امروز بشدت ضعیف شده است. این را باید نگه داشت. نباید ناامید بود.

ببینید، صحنه‌ی صدر اسلام برای ما الگوست. من نمیخواهم ادعا کنم که همه‌ی حوادث ما عیناً شبیه حوادث صدر اسلام است؛ نه، دنیا تغییر کرده، انگیزه‌ها و شکلها عوض شده؛ لیکن صدر اسلام يك تابلوی بسیار پیچیده و هنرمندانه و مندمجی است که بخشهای گوناگون زندگی تاریخی امت اسلام را تا امروز و تا ابد میشود در اجزای این تابلو مشاهده کرد. هرکدام از این بخشها را انسان ملاحظه کند و با زمان خودش تطبیق کند، میتواند بفهمد. ملاحظه کنید؛ دو جور آدم در مقابله‌ی با دشمن وجود دارد: «و اذ یقول المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا. و اذ قالت طائفة منهم یا اهل یثرب لا مقام لكم فارجعوا». (1) این يك نگاه است، يك دید است در مقابله‌ی با این حوادث؛ يك دید دیگر این است که میگوید: «و لما رأى المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله و ما زادهم الا ایمانا و تسلیما». (2) این هم يك دید است. هر دو مال حادثه است. هر دو مال حادثه‌ی احزاب است. يك عده وقتی احزاب را می‌بینند، میگویند: «ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا»؛ عده‌ای دیگر وقتی احزاب را می‌بینند، میگویند: «هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله و ما زادهم الا ایمانا و تسلیما». این مهم است. این دارد وضع فعلی ما را به ما نشان میدهد.

ما دو جور انسان داریم: يك عده هستند که وقتی هیمنه‌ی آمریکا را می‌بینند، قدرت نظامی او را می‌بینند، قدرت دیپلماسی او را می‌بینند، قدرت تبلیغاتی او را می‌بینند، پول فراوان او را می‌بینند، مرعوب میشوند؛ میگویند ما که نمیتوانیم کاری بکنیم، چرا بیخودی نیروهایمان را هدر بدهیم؟ اینجور افراد الان هستند، در زمان انقلاب ما هم بودند. ما مواجه بودیم با افرادی از این قبیل که میگفتند آقا بیخود چرا خودتان را زحمت میدهید؛ به يك حد اقلی قانع شوید و قضیه را تمام کنید. يك عده اینجور بودند.

يك عده‌ی دیگر هستند که نه، قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال مقایسه میکنند، عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار میدهند؛ آن وقت می‌بینند که اینها حقیر محضند، اینها چیزی نیستند. وعده‌ی الهی را هم راست می‌شمرند، حسن ظن به وعده‌ی الهی دارند؛ این مهم است. خدای متعال به ما وعده کرده است: «و لینصرنّ الله من ینصره انّ الله لقوی عزیز»؛ (3) این وعده‌ی قطعی است، وعده‌ی مؤکد است. اگر چنانچه ما به وعده‌ی الهی حسن ظن داشته باشیم، يك جور عمل میکنیم، اگر به وعده‌ی الهی سوءظن داشته باشیم، جور دیگری عمل میکنیم. خدای متعال افرادی را که سوءظن دارند، مشخص کرده است: «و یعدّب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظّائین بالله ظنّ السّوء علیهم دائرة السّوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعدّ لهم جهنّم و ساءت مصیرا»؛ (4) این «الظّائین بالله ظنّ السّوء» امروز هم هستند. چند آیه بعد میگوید: «بل ظننتم ان لن ینقلب الرسول و المؤمنون الی اهلیم ایدا و زین ذلك فی قلوبکم و ظننتم ظنّ السّوء و کنتم قوما بورا». (5) سوءظن به خدا موجب میشود که انسان بنشیند و از حرکت و از کار و تلاش باز بماند. اگر حسن ظن به خدا داشتیم، آن وقت میتوانیم پیش برویم.

ما حسن ظن به خدا داریم، و خدای متعال با ما طبق حسن ظنمان عمل کرده است. در طول این سی و چند سال، خدای متعال طبق همان حسن ظنی که به او داشتیم، با ما عمل کرده. ما مشکلات فراوانی داشتیم. از همه‌ی این مشکلات پیروز بیرون آمدیم. محاصره‌ی اقتصادی چیز کوچکی نبوده و نیست. ما محاصره را زیر پا گذاشتیم. در همین اواخر به ما گفتند که بنزین به شما نمیفروشیم. ما يك کشوری هستیم تولیدکننده‌ی نفت، اما واردکننده‌ی بنزین؛ گفتند به شما بنزین نمیفروشیم. این يك نمونه‌ی خیلی کوچکی است؛ صدها نمونه از این قبیل هست.



نیروهای ما با امید به خدا تلاش کردند و ما در ظرف کمتر از یک سال خود را از واردات بنزین بی‌نیاز کردیم. هشت سال بر ما جنگ تحمیل کردند. ما را در مقابل دشمن عنود بد بسیار خبیثی مثل صدام حسین قرار دادند و با همه‌ی نیروها هم از او دفاع و حمایت کردند. ما الحمدلله توانستیم بر این حادثه فائق بیائیم.

به امید خدا در همه‌ی میدانها پیش رفتیم. ما امروز در میدان علم هم پیشرفت کرده‌ایم. اشاره کردند به مسئله‌ی هسته‌ای ما. ما به توفیق الهی و به قدرت الهی توانستیم مسئله‌ی هسته‌ای را حل کنیم و پیش برویم. امروز هم غربی‌ها جنجال میکنند، اما از ماجرا عقبند. تهمت میزنند، حرف میزنند، تبلیغات میکنند، فشار می‌آورند، اما کاری نمیتوانند بکنند. گذشت زمان به سود ماست. ما داریم همین طور هی پیش میرویم، آنها هم دارند توی سر خودشان میزنند و جنجال میکنند. وقتی با توکل به خدا وارد شویم، اینجوری است.

جوانهائی که در همین زمینه‌ی هسته‌ای فعالیت میکردند، دو سه سال قبل از این اصرار کردند، درخواست کردند بیایند من را ببینند. یک نمایشگاهی اینجا در همین حسینیه درست کردند که من از نزدیک شاهد کارهای اینها باشم. من رفتم آنجا، دیدم اولاً همه جوان، ثانیاً همه مؤمن. یک وقتی خیال میکردند که هر کسی وارد علوم جدید شد و متخصص شد، لزوماً بایستی بی‌دین باشد، بی‌اعتنای به دین باشد. من دیدم نه، همه‌شان جوانهای مؤمن، علاقه‌مند و بااخلاصند. الان در بخشهای مختلف کشور ما اینجوری است. این تجربه‌ی ماست. این تجربه در اختیار دنیای اسلام است.

البته ملت مصر و ملت‌های دیگر الحمدلله پُرند از مفاهیم و معارف اسلامی. ما با معارف اسلامی‌ای که در طول زمانها در مصر شایع بوده، آشنا هستیم. من در همین نماز جمعه‌ای که اشاره کردید، گفتم ملت مصر اولین ملتی بود که با فرهنگ غربی آشنا شد - ناپلئون فرهنگ غربی را به مصر آورد - و اولین ملتی بود که عیوب این فرهنگ را فهمید و با آن مواجه شد. شیخ محمد عبده و سید جمال و دیگران پایگاهشان مصر بود و اینها اولین کسانی بودند که با فرهنگ غربی سینه به سینه و مواجه شدند و با آن مبارزه کردند. بعد از آن هم بحمدلله مصر و خیلی از کشورهای عربی مرکز جوشش افکار اسلامی بودند و برای همه‌ی اسلام مفید بودند.

امروز این مردم وارد میدان هستند؛ باید کوشش بشود دشمن نتواند حرکت مردم مصر را مصادره کند، نتواند آن را منحرف کند، نتواند یک دنباله‌ای از رژیم طاغوت و رژیم فرعون را در مصر باقی بگذارد، بعد بتدریج همه جا را فرا بگیرد؛ باید اینها را مراقبت کرد. این، وظیفه‌ی هم خود مصری‌ها، هم همه‌ی دنیای اسلام است.

بین ملتها باید تفاوت نباشد. وحدت اسلامی اولین اثرش باید این باشد که ملتها با هم احساس همدردی کنند؛ که وقتی یک ملتی خوشحال است، بقیه خوشحال باشند؛ وقتی غمگین است، بقیه غمگین بشوند؛ وقتی گرفتار است، بقیه در آن گرفتاری خود را سهیم بدانند؛ وقتی استنصار میکند، بقیه به نصرت او بشتابند و به سراغ او بروند. این، وظیفه‌ی ماست. و این پیش خواهد رفت. این وعده‌ی الهی را ما قبول داریم، یقین داریم؛ معتقدیم که «و الذین جاهدوا فینا لنه‌دیثهم سبلنا». (6) و خدای متعال بلاشک به مردم مؤمن کمک خواهد کرد.

همه‌ی ما باید قدر این جلسات را بدانیم. این نزدیکی دلها خیلی باارزش است. مسئله‌ی سنی و شیعه و دعوای سنی و شیعه چیزهائی است که امروز دشمنان اسلام میخواهند روی آنها تکیه کنند. آن کسانی که راجع به تشیع، راجع به تسنن، دلسوزی اینها از یکدیگر حرف میزنند، نه سنی را قبول دارند، نه شیعه را قبول دارند، نه بزرگان اسلام را قبول دارند، نه علمای امروز را قبول دارند؛ آنها اهداف دیگری دارند. بایستی بر همه‌ی اینها فائق آمد و وحدت را تأمین کرد و ان‌شاءالله وحدت پشتوانه‌ی پیروزی دنیای اسلام خواهد شد.

مجدداً به برادران عزیز خوشامد عرض میکنم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(1) احزاب: 12 و 13

(2) احزاب: 24

(3) حج: 40



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

4) فتح: 6

5) فتح: 12

6) عنكبوت: 69